اخبار

میرسیدعلی سهمیه نانش را برای تامین روغن چراغ مطالعه می داد

متون اصلی و منابع مادر فرهنگ اسلامی و ایرانی یعنی کتاب خدا و سنت و سیره رسول‌الله (ص) و ائمه معصومین (ع) همگی توصیه به تفکر و علم آموزی دارند. شکی نیست که مطالعه عنصر اساسی این توصیه‌هاست. به همین دلیل در طول تاریخ تمدن اسلامی، علاقه به مطالعه و علم آموزی میان ایرانیان و دیگر قوم‌های مسلمان بسیار زیاد بود. روایات حیرت انگیزی از تلاش مسلمانان برای درس و مطالعه در تاریخ ثبت شده است. زندگینامه دانشمندان و متفکران تاریخ تمدن اسلامی از جمله فارابی، ابن سینا، ابن عربی و... سرشار از سفرهای تحصیلی سخت است به نحوی که حتی برای آموختن یک نکته و یا دریافت یک کتاب ممکن بود رنج سفرهای چندین ساله را بر خود هموار کنند. به شهادت آمار و ارقام این دهه‌ها، سرانه مطالعه در ایران به شدت پایین است. این در صورتی است که کتاب خوب، برعکس دوران‌های گذشته در دسترس همگان وجود دارد. بیست و هشتمین دوره هفته کتاب در پیش است و چه خوب است که به مناسبت این ایام، روایت‌های از «گذشته» درباره مطالعه یادآوری شوند. برای نخستین شماره حکایت و روایتی از آیت‌الله می‌رسید علی مجتهد نجف آبادی در نظر گرفته شده است.

درباه آیت‌الله مجتهد نجف آبادی

یکی از چهره‌های مهم علمی تاریخ معاصر ایران، آیت‌الله می‌رسید علی مجتهد نجف آبادی است که حدود سال‌های ۱۲۸۷ هجری قمری در نجف آباد متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی را نیز پدر آغاز کرد و بعد به اصفهان رفت و به تحصیل صرف، نحو، فقه، اصول، فلسفه و حکمت پرداخت و محضر اساتیدی چون سید محمد فشارکی، و سید مهدی نحوی را درک کرد. پس از دریافت اجتهاد به نجف و کربلا رفت و از محضر استادان بزرگی چون آیات عظام سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملأ محمد کاظم خراسانی به کسب فیض پرداخت و در فقه، اصول، فلسفه، منطق، عرفان و اخلاق به منتهای درجه استادی رسید. آیت‌الله مجتهد نجف آبادی به روایتی پس از درگذشت استاد خود یعنی آخوند خراسانی به اصفهان بازگشت و حوزه درسی مهمی را در مدرسه صدر تشکیل داد. جلال الدین همایی، شیخ هبهٔ الله هرندی، سید روح‌الله خاتمی، حاج آقا مصطفی مهدوی هرستان، حاج میر سید علی فانی اصفهانی، حاج شیخ حیدر علی صلواتی، حاج شیخ احمد فیاض فروشانی، حاج شیخ محمدجواد اصولی فریدنی، حاج شیخ علی خوزانی اصفهانی معروف به مشکات، حاج آقا مصطفی مهدوی هرستان و... از جمله مهم‌ترین شاگردان آیت‌الله مجتهد نجف آبادی هستند. آیت‌الله مجتهد نجف آبادی زندگی بسیار زاهدانه و پاکیزه‌ای داشت. نگاه آیت‌الله مجتهد به اجتماع که حاکی از اجتهادش بود، باعث شد تا در عموم رخدادهای سیاسی و اجتماعی حضور داشته باشد و فعالیت‌های مهمی را انجام دهد. ایشان از جمله مجاهدان و مبارزان بزرگ نهضت آزادی‌خواهی و انقلاب مشروطه بود و بعدها در زمانه رضاخان نیز عنصر مهمی در مبارزه با ظلم، چه با استبداد شاهی چه با استبداد خوانین محلی به شمار می‌رفت. فعالیت‌های خیرانه او نیز در تاریخ ثبت شده است. وی سرانجام به تاریخ سیزدهم صفر ۱۳۶۲ قمری برابر با ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ درگذشت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. او جد مادری شهید سید حسن آیت است.

معرفی یک کتاب

منابع بسیاری از جمله «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر» اثر سید مصلح الدین مهدوی، «رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر» اثر سید محمدباقر کتابی، «گلشن ابرار»، «دایرةالمعارف تشیع» و... درباره آیت‌الله العظمی می‌رسید علی مجتهد نجف آبادی مطالب و مقالاتی را نوشته‌اند، اما پژوهش اختصاصی درباره سیره و سرگذشت او کمتر انجام شده است. یکی از معدود آثار درباره او کتاب «مجتهد نجف‌آبادی: مجموعه مقالات و مصاحبه‌هایی در شرح حال زندگی علمی، اجتماعی و سیاسی» است که به کوشش محمد جواد نورمحمدی به سال ۱۳۸۷ با شمارگان هزار و ۵۰۰ نسخه، ۲۶۴ صفحه و بهای ۲،۵۰۰ تومان توسط انتشارات انصار الامام المنتظر (عج) در دسترس مخاطبان قرار گرفت. کتاب حاضر حاوی مقالات و گفت‌وگوهایی در شرح حال و زندگی علمی، اجتماعی و سیاسی این عالم بزرگوار است. عناوین برخی از مطالب این کتاب بدین شرح است: «شرح حال آیت‌الله العظمی حاج سیدعلی نجف‌آبادی» به قلم سید مصلح‌الدین مهدوی، «زندگانی آیت‌الله العظمی میر سیدعلی آیت نجف‌آبادی (ره)» به قلم احمد عابدینی و «پیرامون حیات مجتهد نجف‌آبادی». همچنین گفت‌وگوهایی با حجت‌الاسلام مدنی، حاج عبدالرزاق حر و... نیز در این کتاب منتشر شده که جملگی درباره سیره و سرگذشت آیت‌الله مجتهد نجف آبادی است.

از نان برای زیاد شدن ساعات مطالعه‌اش گذشت

در کتاب «مجتهد نجف آبادی» و به نقل از آن در کتاب‌های دیگری چون «حدیث خوبان» اثر حمید خلیلیان از قول یکی از هم‌حجره‌ای‌های آیت‌الله میرسیدعلی نجف آبادی چنین روایت شده است: «در آن زمان‌ها که برق نبود، طلبه‌ها با چراغ روغنی درس می‌خواندند و هر طلبه‌ای سهمیه‌ای از نان و روغن چراغ داشت. این سهمیه‌ها معمولاً کفاف نیاز طلاب را نمی‌داد و آنها به سختی و در فقر زندگی می‌کردند... من و میر سیدعلی در حوزه اصفهان هم حجره‌ای بودیم و هرکدام روزی یک نان و نصفی جیره غذایی داشتیم و هرکدام سهمیه‌ای از روغن چراغ.من چون حال درس خواندن نداشتم به همان مقدار مطالعه روز اکتفا کرده و دیگر شب را مطالعه نمی‌کردم. چون یک نان و نصف کفاف خوراکم را نمی‌داد، سهم خود از روغن چراغ را به میر سیدعلی می‌فروختم و به جان آن نصف نان او را می‌خریدم. در نتیجه او دو سهمیه روغن چراغ داشت و یک نان. من دو نان داشتم و روغن چراغ نداشتم. به همین دلیل اول مغرب، شام مختصر خود را خورده و می‌خوابیدم و او مقدار کمتری می‌خورد زیرا که سهمیه‌اش نصف سهمیه من شده بود، ولی در عوض روغن چراغش دو برابر بود، بنابراین تا پاسی از شب مطالعه می‌کرد. لذا او به فلک رفت و به اوج مقامات علمی رسید و من یک فرد معمولی باقی ماندم.»

مراحل زندگی از نگاه کی‌یر کگور

یازدهم نوامبر، سالروز درگذشت سورن کی‌یر کگور فیلسوف دانمارکی و پدر مکتب اگزیستانسیالیسم است. او سال ۱۸۱۳ متولد و سال ۱۸۵۵ درگذشت.

کی‌یر کگور، به گفته تاریخ‌نویسان فلسفه و پژوهشگران این‌حوزه، بانفوذترین و پدر مکتب اگزیستانسیالیسم است که دو گونه الهی و الحادی دارد و کی‌یر کگور متعلق به گونه الهی و مذهبی این‌مکتب است. اما فلاسفه‌ای چون ژان پل سارتر در گروه اگزیستانسیالیست‌های الحادی قرار دارند. اگزیستانسیالیست‌ها در کل، تقدم را به وجود (آن بودگی) نسبت به ماهیت (چیستی) می‌دهند. یک آموزه جالب در فلسفه کی‌یر کگور که به آموزه‌های دینی ما شباهت دارد، این است که باید طوری زندگی کرد که گویی امروز، آخرین روز زندگی مان است.

نگاه کی‌یر کگور به زندگی و رشد انسان

کی‌یر کگور معتقد بود تجربه زندگی ۳ مرحله دارد: حسی، اخلاقی و دینی. همه این مراحل نشان‌دهنده تلاش انسان برای رسیدن به رستگاری و دست یافتن به خشنودی یا بزرگترین خیر زندگی هستند. نخستین مرحله تجربه زندگی، مرحله حسی است که در آن، فرد یا لذت‌گراست یا عقل‌گرا. به‌هرحال کی‌یر کگور معتقد است وجه حسی زندگی، بیهوده و پوچ است چون فرد در این‌مرحله، در چنگال رنج و ملال گرفتار است و توسط آن برانگیخته می‌شود. در نتیجه روش زندگی حسی، به دلزدگی می‌انجامد که ۲ صورت دارد؛ یکی دلزدگی از فعالیت‌هایی که فرد درگیر شان است و دیگری دلزدگی فرد از خودش. کی‌یر کگور این‌میان پیدا کردن خود اصیل را پیشنهاد می‌کند و معتقد است برای یافتن خودبودگی اصیل باید با واقعیت انتخاب روبرو شد. یعنی روبرو شدن با این که زندگی یا این است یا آن. «یا این یا آن» هم همان‌طور که می‌دانیم نام یکی از مهم‌ترین رساله‌های اوست. دیدگاه اگزیستانیسالیستی کی‌یر کگور در این‌بحث خود را این‌گونه نشان می‌دهد: «وجود داشتن یعنی انتخاب کردن، تعهد به عمل، درگیر گرفتاری‌های زندگی‌شدن، اما شخص عقل‌گرای مرحله حسانی با پناه بردن به قلمرو امور انتزاعی از هستی دور می‌شود و شخص لذت‌گرا با عدم توجه به امور اخلاقی از انتخاب این یا آن تصمیم خودداری می‌کند.» (تاریخ فلسفه، ساهاکیان، صفحه ۴۸۷) نسخه و تجویز کی‌یر کگور این است که فرد حس‌گرا باید روش زندگی را عوض کرده و یک قدم پیش بگذارد. یعنی وارد مرحله بعدی که مرحله اخلاقی زندگی است، شود. از نظر او این‌مرحله، مرحله تصمیم و تعهد است.در مرحله دوم زندگی، بحث آگاهی مطرح است. زندگی اخلاقی از نظر کی‌یر کگور ممکن است به آگاهی بیانجامد اما باعث وجدان معذب از گذشته و آینده بیگانه هم می‌شود. در نتیجه نسخه بعدی این است که فرد قدم در راه مرحله سوم یعنی زندگی دینی بگذارد. به عبارتی اگر بخواهیم حرف کی‌یر کگور را تا این‌جا خلاصه کنیم باید بگوییم انسان ناامید از زندگی حسی به زندگی احساسی قدم می گذارد و با ورود به مرحله دوم، تبدیل به شخص از خودبیگانه می‌شود. پس باید قدم به مرحله سوم و نهایی یعنی زندگی دینی بگذارد. از این‌جا به بعد است که بحث ایمان در فلسفه کی‌یر کگور مطرح می‌شود.

به‌هرحال کی‌یر کگور معتقد است با ایمان می‌شود بر گناه و ناامیدی غلبه کرد. اما این ایمان و رستگاری نهایی از نظر او از طریق پارادوکس به دست می‌آید که جاودانگی را در زمان متجلی می‌کند. کی‌یر کگور معتقد است ایمان، بدون خطر، انتخاب، شور و درون‌بودگی وجود ندارد و به‌دست نمی‌آید. او می‌گوید حقیقت، به استثنای خدا همیشه یک مفهوم پارادوکسیکال یا همان متناقض است. حقیقت عینی برای انسان همواره امری غیریقینی است و این‌بی‌یقینی به صورت شور درونی ظاهر می‌شود. از نظر این‌فیلسوف دانمارکی بی‌یقینی موجب اضطراب و اضطراب به وسیله قدرت ایمان به آرامش تبدیل می‌شود.

اگزیستانسیالیسم کی‌یر کگور

ویلیام ساهاکیان در کتاب تاریخ فلسفه خود برای تعریف و توضیح بهتر اگزیستانسیالیسم کی‌یر کگوری، آن را در تقابل با فلسفه هگل قرار داده است. از نظر او فلسفه کی‌یر کگور از اصل و اساس در تضاد با فلسفه هگل است. می‌دانیم که کی‌یر کگور در برهه‌ای از زندگی، ایمان لوتری ارث‌رسیده از پدرش را برای مدتی کنار گذاشت و زندگی غیر مذهبی را در پیش گرفت. اما در نهایت دوباره به مذهب برگشت. او همچنین مدتی را به طرفداری و پیروی از فلسفه هگل پرداخت اما پس از مدتی از نظام فلسفی عقل‌گرا و پیچیده هگل روی‌گردان شد. شواهد این رویگردانی هم در نوشته‌های ایمان‌محور و خداجویانه او به خوبی مشهود اند. در حالی که هگل، حقیقت را در نظام عقلی جستجو می‌کرد، کی‌یر کگور سراغ آن را در پارادوکس گرفت. هگل بر تفکر نظری تاکید داشت اما کی‌یر کگور بر هستی اصرار ورزید. هگل در جست‌وجوی مطلق، عینی یا امر کلی بود اما کی‌یر کگور که یک فردگراست، در پی امر فردی یا جزئی و نسبی برآمد. همان‌طور که می‌دانیم یکی از مهم‌ترین آموزه‌های هگل، دیالکتیک اوست که از تز، آنتی‌تز و در نهایت سنتز یعنی برایند آن‌ها و در واقع «توافق اضداد» تشکیل می‌شود. اما کی‌یر کگور در مقابل، جهش یا شکاف منطقی را در فلسفه خود دارد که همان «دیالکتیک کیفی» است. به بیان ساده‌تر در حالی که هگل از توافق اضداد حرف زد؛ کی‌یر کگور مساله را این‌گونه حل کرد که «یا این یا آن». یک تفاوت دیگر فلسفه این دو فیلسوف هم، این بود که هگل بر ضرورت تاکید می‌کند اما کی‌یر کگور بر آزادی. این‌آزادی، همان‌مفهومی است که بعدتر سارتر در فلسفه اگزیستانسیالیستی الحادی خود آن را بسط داد.فلسفه هگل، به عنوان نمونه‌ای از نظام‌های پانتئیستی (همه‌خدایی)، این‌همانیِ سوژه و ابژه را نتیجه گرفت و فکر را با هستی هَمسان کرد. اما اگزیستانسیالیسم این دو را از هم جدا کرد. ساهاکیان این مورد را مهم‌ترین تفاوت ایده‌آلیسم و اگزیستانسیالیسم خوانده و در تاریخ فلسفه خود می‌نویسد: «در حالی که سوژه هگلی غرق در تفکر است، سوژه هستی‌دار اگزیستانسیالیسم فعالانه درگیر زندگی است.» (صفحه ۴۹۱)

از نظر کی‌یر کگور حقیقت، صرفا یک گزاره درباره واقعیت یا تصوری که ما داریم نیست. بلکه آن چیزی است که فرد بر مبنای آن عمل می‌کند. در واقع از نظر او، فردْ حقیقت است و این همان فردگرایی و جزئی‌نگری اوست. اندیشه‌کردن با قالب اگزیستانسیالیسم، اندیشیدن با شور درونی است. جمله مهمی هم که ساهاکیان در توضیح این‌بخش از فلسفه کی‌یر کگور دارد، به این ترتیب‌اند: «حقیقت، ذهنیت است. عالی‌ترین فرانمود ذهنیت، شور است.» (صفحه ۴۹۱) از نظر او برای فردِ هستی‌دار یا هستنده‌ای که هایدگر بعدها درباره‌اش صحبت کرد، ذهنیت همان حقیقت و واقعیت است.

درباره زندگی و تلقی از جهان، ساهاکیان بین فلسفه کی‌یر کگور و فلسفه هگل مقایسه‌ای دارد از این قرار که فلسفه هگل در قیاس با فلسفه کی‌یر کگور مانند اندیشه بدون اندیشنده است.

تشابهات و تفاوت‌های آموزه‌های فلاسفه دیگر با اندیشه کی‌یر کگور

در آموزه‌های مکتب مدرسی (تومیستی) موارد تشابه و تفاوت جالبی با اندیشه کی‌یر کگور وجود دارد؛ مثلا در بحث اختلاف نظر سنت آگوستین با توماس آکویناس که باور داشت تمایزی بین عالم طبیعی و عالم الهی وجود ندارد. این‌آموزه‌ها البته عکس باورهای کی‌یر کگور هستند. مثلا آکویناس می‌گوید مهم نیست خدا حقیقتش را از طریق وحی ابلاغ کرده باشد یا از طریق عقل. مهم این است که ایمان، هرگز با عقل در تعارض نیست. اما همان‌طور که در فلسفه کی‌یر کگور می‌بینیم، او ایمان را مفهومی متضاد با عقل و خرد می‌بیند.

البته بین آموزه‌های آکویناس، تشابهاتی هم با کی‌یر کگور وجود دارد، مثل این‌که برخی از حقایق هستند که تنها از طریق ایمان یا وحی مکشوف می‌شوند؛ مثل اصول عقاید جزمی کلیسا که ورای عقل بشری‌اند. برخی حقایق هم هستند که تنها از طریق عقل به ما می‌رسند؛ مثل علوم طبیعی و برخی حقایق هم از هر دو طریق می‌رسند. البته آکویناس درباره اثبات وجود خدا معتقد بود این‌مساله صرفا حقیقتی وحیانی نیست چون با عقل هم قابل اثبات است. البته باید توجه داشت بحث کی‌یر کگور درباره ایمان است نه اثبات وجود خدا.

در گوشه دیگری از بحث فلسفه مدرسی و اندیشه‌های جان دانز اسکوتوس، می‌توانیم تشابه دیگری با نظریات کی‌یر کگور بیابیم؛ این‌که فلسفه نمی‌تواند به قلمرو عالی‌تر یعنی الاهیات دست پیدا کند. از نظر اسکوتوس این‌قلمرو عالی یعنی الاهیات، حقایق ایمانی مانند تثلیث، تجسد، خلقت، فناناپذیری نفس و وجود خدا را در بر می‌گیرد که موردنظر آکویناس هم بوده‌اند. فیلسوف مدرسی دیگری به نام ویلیام اوکامی هم هست که معرفت علمی را از الاهیات جدا می‌کرد و به‌عنوان یک روحانی فرانسیسکن معتقد بود باید وجود خدا را براساس ایمان پذیرفت نه برهان عقلی.اوکامی هم مانند اسکوتوس معتقد بود خداوند قادر مطلقی است که اراده‌اش بر عقلش برتری دارد. او تلاش‌های فلاسفه مدرسی را برای اثبات اصول جزمی کلیسای کاتولیک بیهوده می‌دانست و می‌گفت این اصول باید از طریق ایمان، پذیرفته شوند. دیگر فیلسوف مکتب مدرسی هم که تشابهاتی در نظریاتش با کی‌یر کگور وجود دارد، یک همه‌خدانگار (پانتئیست) بوده است. این‌فیلسوف هم که نیکلاس کوزایی نام دارد، بر این باور بود که خدا را باید از طریق یک شهود بی‌واسطه، یعنی یک رویت خلسه‌آمیز غیرآگاهانه پیدا کرد. او چنین حالتی را در روح انسان، جهل آگاهانه نامگذاری کرد چون این‌حالت از تفکر عقلی بالاتر می‌رود و در نتیجه، رویارویی با واقعیت نهایی که خدا باشد ممکن می‌شود. اگر دقت کنیم، شاید منظور از «رویت خلسه‌آمیز غیرآگاهانه» همان ایمانی باشد که عقل به آن نمی‌رسد و مد نظر کی‌یر کگور بود.در فلسفه پاسکال و عرفانش که می‌گویند آن را براساس شک بنا گذاشت هم، تنها رهیافت ممکن به خداشناسی، رهیافت عملی است. یعنی انسان باید با نداهای قلبش خوشنود باشد نه نداهای عقلش. چون قلب دلایلی دارد که عقل قادر به درک‌شان نیست. پاسکال ضمن این که معتقد بود انسان با دستورات قلب برانگیخته می‌شود نه عقل، می‌گفت هستی خداوند، اثبات‌پذیر نیست و هیچ برهانی برای وجود خدا پذیرفتنی نیست. آن‌چه ضرورت دارد، عمل به ایمان است، ایمان به این حقیقت که خدا وجود دارد. همان‌طور که می‌دانیم برهان پاسکال برای وجود خدا، برهان شرط‌بندی دینی نام دارد که توضیح و تشریح آن از حوصله این‌مطلب خارج است.جدا از بحث ایمان و خداباوری، در زمینه بحث وجود و ماهیت هم که محور اصلی فلسفه اگزیستانسیالیستی است، فراز مشابهی بین اندیشه کی‌یر کگور و مکاتب نو رئالیسم و رئالیسم انتقادی وجود دارد که بد نیست به آن اشاره کنیم. جورج سانتایانا یکی از فلاسفه رئالیسم انتقادی است. این‌فیلسوف تمایز قاطعی بین موجودیت و وجود قائل شد. سانتایانا معتقد بود اشیای مادی دارای موجودیت هستند و توسط انسان احساس می‌شوند. اما ذوات دارای وجود و نه موجودیت‌اند و فقط از طریق شهود شناخته می‌شوند. اشیای مادی شاغل زمان و مکان هستند ولی ذوات در مقام کلیات، از اصل «این‌همانی» پیروی می‌کنند؛ یعنی همان خصوصیاتی که در ریاضیات محض مطرح شده و در فلسفه ابن‌سینا توضیح و تشریح شده است.

معاون فرهنگی این سازمان تشریح کرد

ویژه برنامه های سازمان فرهنگی هنری برای هفته کتاب

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برنامه‌های این سازمان در بیست و هشتمین دوره هفته کتاب و کتابخوانی را تشریح کرد و از پویش ۲۰۲۰ به منظور «نهادینه‌سازی ساعت ۲۰ به عنوان ساعت کتابخوانی خانواده‌ها» خبر داد.

به گزارش امتیاز، سید علیرضا فاطمیان‌پور معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برنامه‌های این سازمان در بیست و هشتمین دوره هفته کتاب و کتابخوانی را تشریح کرد و گفت: شیوع بیماری کرونا و اهمیت قرنطینه خانگی، فرصتی مناسب برای افزایش سرانه مطالعه در جامعه ایجاد کرده است. در این راستا سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با دارا بودن بزرگترین شبکه متمرکز کتابخانه‌ای در شهر تهران، در هفته کتاب امسال برنامه‌های متنوعی در حوزه تأمین منابع کتابخانه‌ها و ترویج فرهنگ کتابخوانی تدارک دیده است.

وی اضافه کرد: به‌روزرسانی و تأمین منابع کتابخانه‌ها، اهدای کتاب‌های کمک‌آموزشی انتشارات قلم چی، تقدیر از کتابداران و روسای کتابخانه‌های سازمان، آیین نام‌گذاری کتابخانه دکتر طوبی کرمانی، آیین امضای تفاهم‌نامه همکاری سازمان با شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه به منظور راه‌اندازی کتابخانه سیار، از جمله برنامه‌های این سازمان در هفته کتاب امسال است.

فاطمیان‌پور افزود: پویش ۲۰۲۰ در چند گام و در قالب تبلیغات محیطی و پخش تیزرها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در رسانه ملی و همچنین بیلبوردها و پرتابل‌های شهری، به منظور «نهادینه‌سازی ساعت ۲۰ به عنوان ساعت کتابخوانی خانواده‌ها» از دیگر اقدامات ترویج فرهنگ کتابخوانی این سازمان است که از هفته کتاب شروع و تا پایان سال ادامه خواهد داشت. همچنین با راه‌اندازی پویش در شبکه‌های اجتماعی و دعوت از مسئولان، شخصیت‌ها، نویسندگان، هنرمندان و مشاهیر به پیوستن در این پویش و معرفی کتاب‌های مناسب برای مطالعه، از شهروندان دعوت می‌شود که ساعت ۲۰ هر شب ۲۰ دقیقه را به امر مهم مطالعه اختصاص دهند.

وی تصریح کرد: توزیع بسته‌های کتاب و اقلام بهداشتی در مناطق محروم و کم برخوردار شهر تهران در قالب برنامه‌های جهادی با مشارکت مدیریت‌های فرهنگی هنری مناطق ۶، ۱۸، فرهنگ‌سرای انقلاب اسلامی و حوزه مقاومت بسیج سازمان و همچنین حضور و استفاده از ظرفیت کانون‌های جهادی مرکز مشارکت‌های فرهنگی هنری و کتابداران، از دیگر برنامه‌های هفته کتاب است. با اجرای این طرح، توزیع بسته‌های هدیه کتاب و اقلام بهداشتی در روستاهای حومه شهر تهران انجام خواهد شد.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری در پایان گفت: افزون بر این برنامه‌ها، کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در هفته کتاب سال جاری نیز از ۲۴ تا ۳۰ آبان ماه، ۲۰۹ عنوان برنامه محله‌ای- منطقه‌ای در قالب کتاب‌دان و... با محوریت فضای مجازی را اجرا خواهند کرد.

به مناسبت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار:

توجه به اهمیت کتاب و قصه‌خوانی در درمان کودکان مبتلا به سرطان

پیش از شیوع کرونا هر ماه ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ کتاب به کودکان تحت درمان در بیمارستان محک و سایر بیمارستان‌های دولتی و دانشگاهی دارای بخش خون و آنکولوژی کودکان تهران که در آنها ترالی کتاب فعال بود، اهدا می‌شد.

به گزارش امتیاز؛ کتاب‌هایی متناسب با گروه‌های سنی و علایق کودکان که با نگاهی ویژه به ادبیات و فرهنگ قومیت‌های مختلف در ترالی (میز چرخدار) مخصوص کتاب محک قرار می‌گرفتند. با شیوع ویروس کرونا و لزوم رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی این فعالیت با شرایط موجود انطباق یافت؛ به همت داوطلبان و روان‌شناسان کتاب‌ها تبدیل به فایل‌های صوتی می‌شوند و در اختیار کودکان مبتلا به سرطان، این بار در سراسر ایران قرار می‌گیرد. به مناسبت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار، با لیلا جعفری، مسئول بخش روان‌شناسی محک به گفتگو نشستیم تا جزئیات قصه‌خوانی مجازی برای تمامی کودکان مبتلا سرطان را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

او در خصوص ضرورت قصه‌خوانی برای کودکان مبتلا به سرطان گفت: «پس از راه‌اندازی ترالی کتاب و حضور آن در بیمارستان‌های دولتی و دانشگاهی دارای بخش خون و آنکولوژی کودکان در تهران، اقدام دیگری مبنی بر قصه‌خوانی برای کودکان مبتلا به سرطان هم در این بیمارستان‌ها از سال گذشته آغاز شد. با شیوع گسترده ویروس کرونا، فعالیت ترالی و داوطلب در زمینه حضور در بخش‌های بستری متوقف شد و اهدای کتاب به کودکان تنها در بیمارستان محک، آن هم توسط روان‌شناسان، انجام می‌شود. اما در این شرایط تلاش شد راهکارهای جایگزینی اتخاذ شود که خوشبختانه این راهکارها منجر شده که خدمات محک در حوزه کتاب و کتابخوانی نه تنها محدود نشود، بلکه امکان ارائه آن به فرزندانمان از دیگر استان‌ها نیز فراهم شود. بر همین اساس با همراهی داوطلبان فایل‌های صوتی قصه‌خوانی تولید و برای فرزندان محک ارسال می‌شود.»

داوطلبان قصه‌خوانی محک چه ویژگی‌هایی دارند؟

جعفری با اشاره به شرایط مورد نیاز برای داوطلبان قصه‌خوانی ادامه داد: «بر اساس دستورالعمل کار با بیمار که توسط واحد روان‌شناسی محک طراحی شده است، داوطلبان بالای ۲۰ سال که آمادگی روحی مورد نیاز را دارند، تحت آموزش‌های لازم برای برقراری ارتباط با کودکان مبتلا به سرطان قرار می‌گیرند. مهارت این افراد می‌بایست به گونه‌ای باشد که در این فرآیند از آسیب روانی به خود و فرزندان‌مان جلوگیری کنند. آنها در صورت گذراندن یک ارزیابی روان‌شناختی و اطمینان از داشتن شرایط مورد نیاز، برای کار با بیمار، که یکی از شاخه‌های آن قصه‌خوانی است، آماده می‌شوند.»

داوطلبان قصه‌خوانی می‌بایست کتاب‌ها و ادبیات کودک و نوجوان را بشناسند و بتوانند از ارتباط و تخصص‌شان در راستای پیشبرد اهداف محک استفاده کنند. چرا که آنها نه تنها در بخش خواندن قصه بلکه در نوع چیدمان، دسته‌بندی، ترغیب کودکان و ایجاد کنجکاوی در آنها نسبت به موضوعات نقش مؤثری دارند.»

ایشان در ادامه به شرایط فعالیت داوطلبان قصه‌خوانی در دوران کرونا اشره کرد و گفت:«در حال حاضر با توجه به شیوع ویروس کرونا امکان فعالیت حضوری این داوطلبان ممکن نیست. به همین منظور داوطلبان قصه‌خوانی با همراهی واحد روان‌شناسی محک با ضبط فایل صوتی قصه از راه دور همراه مسیر درمان فرزندان محک می‌شوند.»

معیار انتخاب کتاب برای کودکان مبتلا به سرطان چیست؟

مسئول بخش روانشناسی محک با بیان معیارهای انتخاب قصه‌ها و کتاب‌ها که از دیگر مسائل مهم در این زمینه است افزود: «از آنجایی که نوع قصه‌ها به روانشناسان محک در ایجاد زمینه‌های مرتبط با کیفیت زندگی فرزندانمان کمک می‌کند، موضوع آنها به گونه‌ای انتخاب می‌شود تا اضطراب، خشم و افسردگی را در کودکان مبتلا به سرطان تشدید نکند و مسائل خانوادگی را تحت الشعاع قرار ندهند. کتاب‌های انتخابی معمولاً از جنس آموزش مهارت، معرفی مشاغل مختلف، رنگ‌آمیزی و درمانی است.»

جعفری در پایان در خصوص برنامه آینده محک در جهان پساکرونا در زمینه قصه‌خوانی و قصه‌درمانی گفت: «در آینده با بهتر شدن شرایط از نظر شیوع ویروس، علاوه بر اهدای کتاب و قصه‌خوانی، قصه‌نویسی و آموزش کودکان مبتلا به سرطان در این زمینه نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت.»

ادبیات نقش مؤثری را در درمان کودکان مبتلا به سرطان ایفا می‌کند. فعالیت‌های مرتبط در این حوزه مانند یک مکمل سبب می‌شود تا درد، اضطراب، استرس و ترس از بیماری سرطان و مراحل درمان آن کاهش یابد و کودکان مقاومت بیشتری در برابر دریافت و تزریق دارو از خود نشان دهند. به امید آنکه به پشتوانه مردمان نیکوکار این سرزمین روز به روز خدمات شایسته‌تری به کودکان مبتلا به سرطان که قهرمانانه با این بیماری سخت می‌جنگند ارائه شود.

اخبار

از بی اعتمادی مردم نسبت به اسباب بازی ایرانی تا نبود زیرساخت های لازم

با توجه به صنعت اسباب‌بازی در جهان، تنوع و گستردگی تولید شده توسط شرکت‌های بزرگی که باربی و اسپایدرمن را خلق کردند، بحث طراحی و کاراکترسازی به نوعی وارد مسابقه جهانی شده است. اما سهم کشورمان کپی‌برداری از محصولات خارجی است و در واقع ما در این بازی طراحی، خلق شخصیت و کاراکتر منحصربه‌فرد و به نوعی بومی‌سازی شخصیت‌ها و اسطوره‌های ادبی‌مان به کشورهای غربی باختیم.

با وجود واردات ۹۰ درصدی اسباب‌بازی به کشور و کپی‌کاری و توجه بیشتر به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در این حوزه، طراحی به محاق رفته است و دغدغه تولیدکنندگان و متولیان امر در حوزه صنایع فرهنگی نیست و ترجیح‌شان بر کپی شدن محصولات خارجی است. در حالی‌که با گریز به ادبیات ایرانی سوژه‌های زیادی را برای کاراکترسازی می‌توان پیدا کرد که تا به امروز ردپایی از دغدغه‌مند شدن و مسئله‌سازی شخصیت‌های ادبی در اسباب‌بازی‌ها نمی‌بینیم. باید با معنا بخشی و مفهوم‌سازی برای کودکان کاراکتر و شخصیت‌هایی خلق کنیم تا معانی و مفاهیم مختلف برای آنان بازتر شود. شهاب محسنین و متخصص حوزه اسباب‌بازی معتقد است نخستین آثار و نشانه‌های مربوط به بازی و سرگرمی به ۷ هزار سال پیش و به ایران و مصر و هند باستان برمی‌گردد. یعنی به همان روزگار که با فلز و سنگ و چوب، مجسمه‌های کوچکی می‌ساختند که به شکل انسان یا حیوان بود و با آن بازی می‌کردند.

با این توضیحات می‌توان به پیشینه شطرنج که یکی از کهن‌ترین بازی‌ها در جهان است پی برد. همچنین بازی، کارکردهای مختلفی دارد اما یکی از جنبه‌های مهم آن، آموزش و انتقال پیام‌های آموزشی و فرهنگی است. به این معنی که ما در قالب بازی می‌توانیم فرهنگ و آداب و رسوم و بسیاری از مفاهیم دیگر را به مخاطب خود منتقل کنیم. البته پیش از آموزش، آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که سرگرم شدن و لذت بردن، مهم‌ترین هدف در ارائه و طراحی بازی‌های مختلف است که گاهی بازی‌سازان و طراحان ما اهمیت چندانی به آن نمی‌دهند. شهاب محسنین، طراح اسباب‌بازیدر گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از طراحی اسباب‌بازی و نبود اعتماد میان مردم نسبت به محصولات ایرانی صحبت می‌کند که در ادامه این گفت‌وگو می‌آید:

با توجه به آثار ادبی غنی و پربار در کشورمان و اسطوره‌هایی که در ادبیات‌مان آمده است همچنان در خلق کاراکترسازی در حوزه ادبیات بسیار ضعیف هستیم و نتوانستیم آنگونه که شایسته و بایسته است اسطوره‌هایمان را به کودکان معرفی کنیم، این ضعف نپرداختن به ظرفیت‌های ادبی در خلق کاراکتر اسباب‌بازی از کجا ناشی می‌شود؟

سوال خیلی خوبی پرسیدید، من سال‌ها است که بر روی این قضیه فکر می‌کنم و می‌بینیم که خواسته‌های ما ایرانی‌ها همیشه به وسایل غیرایرانی بیشتر بوده است، یعنی ترجیح داده‌ایم که از برندهای خارجی استفاده کنیم. از کودکی با اسباب‌بازی‌های خارجی، بازی کردیم، لباس‌هایی با برند خارجی را پوشیدیم، کفش خارجی را پسندیدیم زیرا کیفیت ایرانی همیشه پایین بوده آن اعتماد صددرصدی را به کالاهای ایرانی کسب نکرده‌ایم.

خواسته‌های ما ایرانی‌ها همیشه به وسایل غیرایرانی بیشتر بوده است، یعنی ترجیح داده‌ایم که از برندهای خارجی استفاده کنیم

همیشه گرایش‌مان به محصولات خارجی بوده ولی در این یکی دو سال اخیر سعی شده کالاهای ایرانی کیفیت خوبی داشته باشند اما باز هم اعتماد مردم نسبت به کالاها و محصولات کم است. در نتیجه می‌بینیم این مقولات در مسئله فرهنگ هم تأثیرگذار هستند و باعث عقب ماندن فرهنگ می‌شوند. اگر بخواهیم فرهنگ در بهترین حالت هم پیش برود باز هم می‌بینیم که عروسک یا اسباب‌بازی خارجی پیشتاز فروش است و فرهنگی